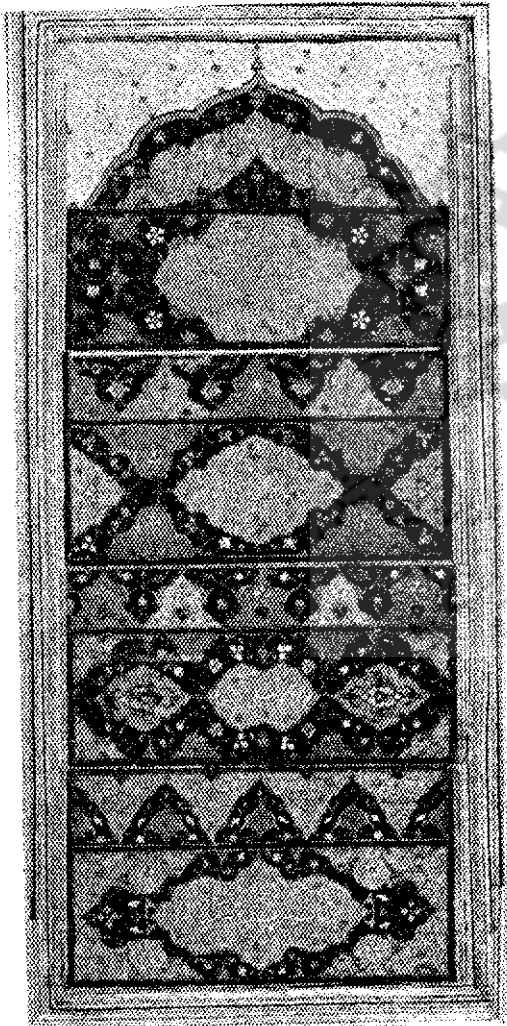


# طلایی، شنگرف، سبز زنگاری

صفحه اول کتاب خمسه نظامی با سرلوح و کتیبه‌های  
مذهب - حاشیه مجلدول مطلا و شنگرف - سده دهم هجری  
قمری - موزه هنرهای تزئینی ایران.



تذهیب و تشعیر یکی از جلوه گاهها و چشم اندازهای اصیل هنر اسلامی است. «فصلنامه هنر» با توجه به تعهدی که در زمینه عرضه و ارائه آثار هنرهای اسلامی دارد در این شماره نیز با چاپ مقاله‌ای توأمان با تدقیق و تعمقی در خور ذکر، به این مقوله مهم می‌پردازد.

ویژگی این مقاله آن است که در زمانه‌ای که تذهیب کاری و تشعیرسازی رو به افول بوده و در محاق فراموشی افتاده است، با دید و درکی سنجیده و برخاسته از مشی و روشی متکی بر اصول تحقیق و پژوهش این دو هنر را معرفی می‌کند.

■ حاشیه‌های پهن با نقش‌های آزاد شاخ و برگ و پاره‌های ابرو جانوران و پرندگان در حال پرواز و نقوشی با رنگهای ملایم طلایی کم رنگ با پیچ و خم‌های موزون و دلاویز شاخه‌های رز در فضائی مسدود حالتی مرکب از احساس و ادراک مختلف را ایجاد می‌کند.

کتاب‌های تذهیب و تشعیر شده در حکم شعری است که می‌توان آن را لمس کرد. چنین کتابی را چون ورق می‌زنیم گوئی به تدریج از نردبانی بالا می‌رویم که ما را به عالم اشکال مصور می‌رساند؛ اشکال مصوری که نظم و تنوعی خاص دارند.

هنر تذهیب و تشعیر در یک پدیده مینیاتوری، خود معرف بارزی از تجلی یک نظم و هم‌آهنگی روح انسانی است. اصولاً مطالعه و تعمق در این هنر، خود فلسفه‌ای است مستقل که باید حقیقت آن را در روح پر فطوح نیاکان ما جستجو نمود.

اشاعه هنر تذهیب و تشعیر در کتابهای کشورمان متعلق به دوران قبل از اسلام است، چنانکه کتاب **ارژنگ مانی** مؤید این امر است و کشف اوراق **تورفان** که در خط مانوی است این مطلب را می‌رساند. کشف **تورفان** موضوع را نه تنها به شکل اکتشافی بلکه به زعم دانشمندان، مکتب نقاشی چینی را دگرگون ساخت و آنرا

صفحه‌ای از کتاب دعای حجب و تقیبات مختصر به خط نسخ به قلم زین العابدین قزوینی ملقب به معجزه‌نگار

بصورت شاخه‌ای از هنر مانی در آورد. ولی در دوره اسلام و همراه با اعتلای فرهنگ اسلامی در ایران، کتابهای خطی بسیاری نوشته شد، کتابخوانی و کتابدوستی رواجی عظیم یافت، دانشوران و نیز بزرگان، کتابخانه‌های عظیمی را برپا داشتند و هنر کتابسازی و کتابت ارج فراوان یافت و همگام با آن، هنر تذهیب و تشعیر پیشرفت شایانی نمود.

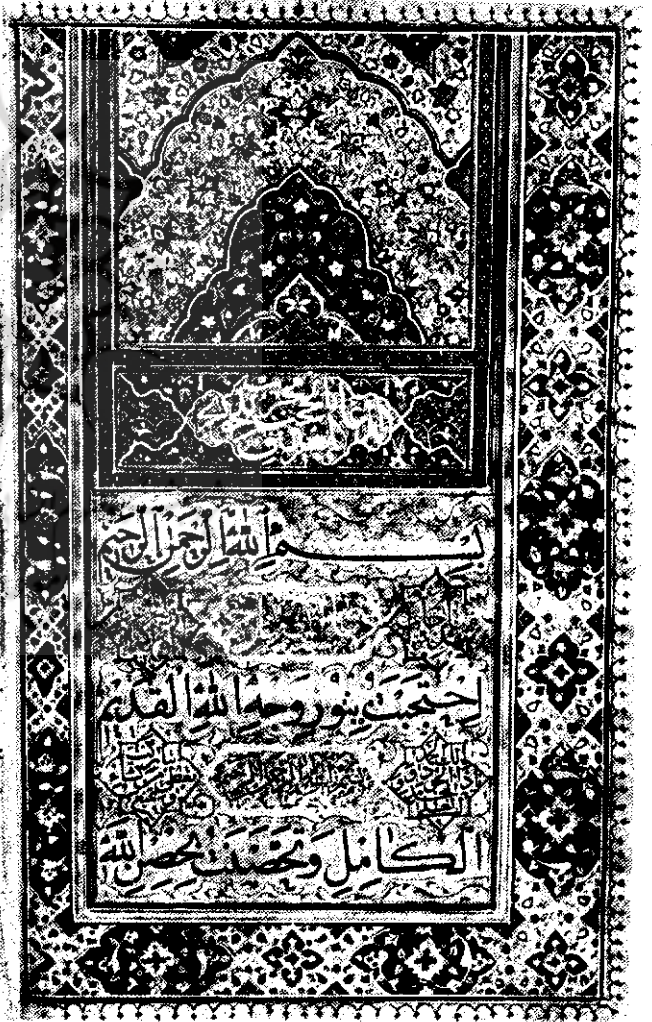
صفحات قرآن‌ها و کتابهای نفیس را با طلا و رنگهای الوان تزئین می‌کردند و برای این کار از طرحهای گوناگون اصیل و خاص استفاده می‌نمودند.

تذهیب در لغت به معنی زراندود کردن، زر گرفتن، زرکاری و طلاکاری روی کتاب و اوراق می‌باشد یا به عبارت دیگر هرگاه هنرمند با استفاده از طلا و رنگهای جسمی و روحی<sup>۱</sup> در صدد تزئین اوراق کتب یا مرقعات برآید آن هنر را تذهیب گویند.

تشعیر: نوعی تزئین نسخ خطی است که در حاشیه نسخ یا مرقعات، معمولاً با یک یا دو حتی با سه رنگ طلا انجام می‌گیرد. و نقوش مورد استفاده در این هنر، بیشتر خطوط غیر منظم و

۱- بعضی از نقاشان معتقدند که دو نوع رنگ در نقاشی ایران بکار می‌رفته است یکی رنگهای غیر شفاف و حاجب ماوراء که آنها را رنگهای جسمی می‌گویند و دیگر رنگهای شفاف و نشاندهنده ماوراء که آنها را رنگهای روحی می‌گویند. رنگهایی که جزو رنگهای جسمی می‌باشند عبارتند از: رنگ سفید- رنگ زرد- رنگ زرنیخی- رنگ نارنجی- رنگ شنگرف- رنگ سبز- رنگ سبز سیلو- رنگ سبز چمنی- رنگ قهوه‌ای متمایل به زرد-

از گروه رنگهای شفاف یا روحی می‌توان به رنگهای آبی و رنگ زرد تهیه شده از عصاره ریوند- رنگ قرمز و رنگ سبز زنگاری اشارت نمود.



گاه تصاویر جانوران و پرندگان هستند.

و یا بعبارتی، تشعیر به آندسته از نقوش تزئینی اطلاق می شود که در حواشی کتب مصور یا در نقوش دیوار و لباسهای زربفت از حیوانات و گل و بته و درخت نشان داده شده و عموماً با طلای یک رنگ یا دورنگ روی زمینه و یا با رنگ تیره تر از رنگ زمینه به مانند خود رنگ، نقاشی شده است.

علت نامگذاری تشعیر به این هنر آنست که خطوط تشکیل دهنده این نقوش مانند موئی (شعر) باریک و نازک می باشد.

معمولاً در تشعیر، از حیوانات خیالی: سیمرغ، اژدها و دیگر حیوانات تخیلی و حتی از نقشهای تصنعی استفاده می شود.

آرایش یک قطعه با تشعیر از آن نظر جالب است که، خط و یا تصویر اصلی را درهم و خسته کننده نمی نماید. به آن علت دور و حواشی بیشتر مینیاتورهای کهنه را با تشعیر زینت می نمودند و این هنر در زمان تیموریان و صفویان به اوج خود رسید.

اصولاً تشعیر از نظر نقش با تذهیب چندان تفاوتی ندارد و تنها به جای رنگهای گوناگون که در تذهیب به کار می رود در تشعیر فقط یک یا دو یا سه رنگ به کار گرفته می شود. معمولاً تشعیر را به دو نوع تشعیر مطلا و تشعیر الوان تقسیم می نمایند.

در اینجا قبل از اینکه به سبکهای مختلف تذهیب و تشعیر در طول دوران مختلف تاریخ کشورمان پردازیم لازم است مختصری راجع به ترصیع - تحریر - حل کاری - افشان - مرکب الوان - عکاسی و قطاعی و بعضی از طرحها و

نقشها و قلم مو و طرز درست کردن آن پردازیم. ترصیع: اگر در نقوش تذهیب، بغیر از آب طلا، محلول شنگرف، لاجورد، سفیدآب، سبز زنگاری، رنگ زعفران و رنگ سبز سیلو و غیره بحد زیادی بکار رفته باشد و نقش و نگار الوان و مقداری حالت برجستگی مانند داشته باشد آن را مرصع گویند. معمولاً هر نقش مرصع، مذهب نیز هست، ولی عکس آن لازم نیست.

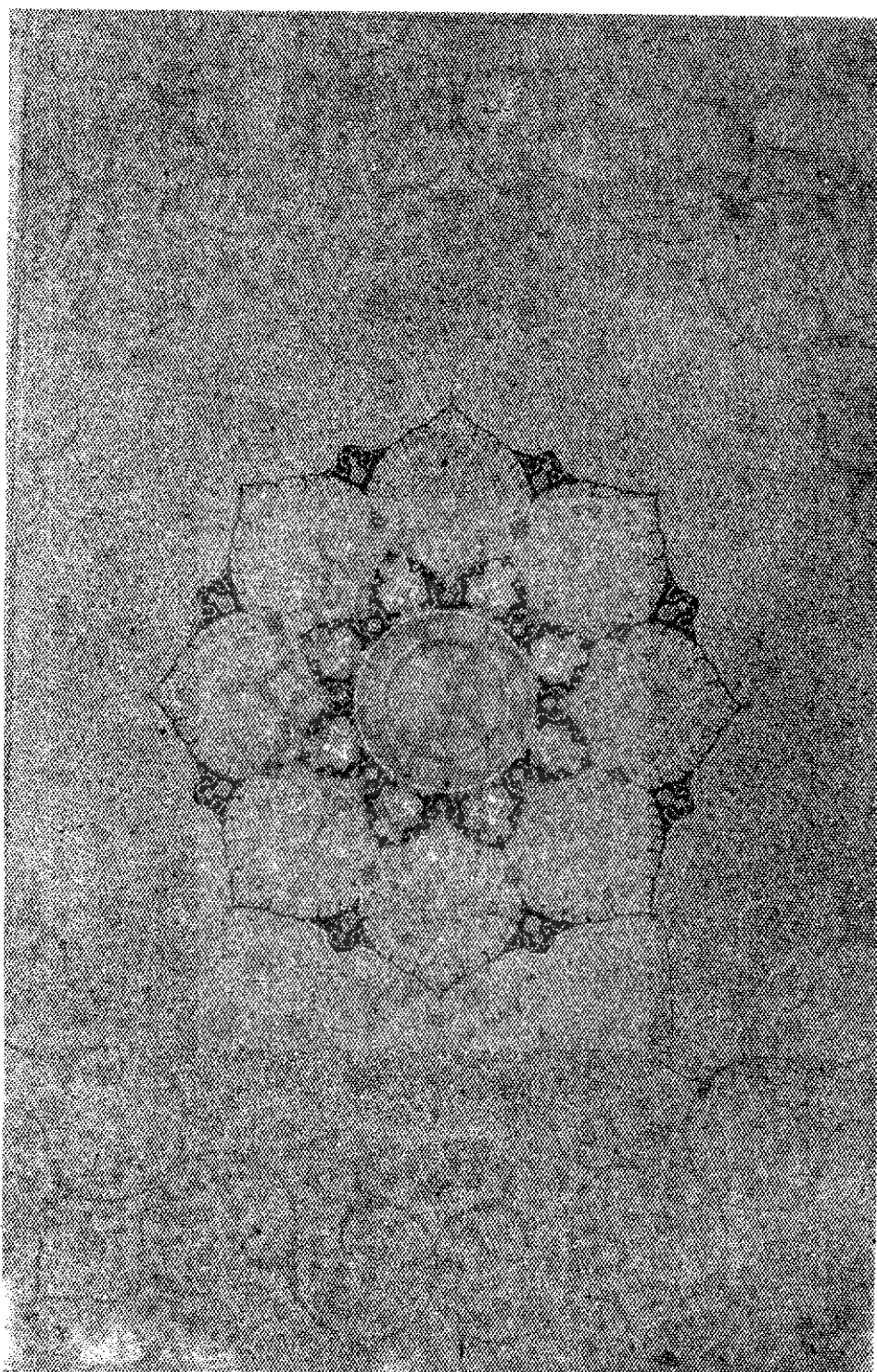
تحریر: گاهی اطراف نقوش و یا کلمات و عباراتی را که با آب زر و یا الوان دیگر، مانند سفیدآب، اندوخته و نوشته اند، تا بهتر نموده و خواننده شود با قلم بسیار باریک آغشته به مرکب مشکمی محصور می کنند. این عمل را تحریر و نقوش کلمات محدود شده را محرر می گویند.

حل کاری: عبارتست از طلاکاری یک پارچه، بدون خطوط تحریر، از تصویر جانوران و بیشتر شاخ و برگ و گل و بوته و پرندگان و حیوانات افسانه ای مانند اژدها و سیمرغ، که حواشی کتابهای تزئینی و بیشتر حواشی مرقعات و صفحات بدرقه (صفحات سفید ابتدا و انتهای کتاب) با آن تزئین می شود.

افشان گری: در بعضی از نسخه ها تمام مطالب کتاب روی متن زرافشان، نوشته می شود و گاهی برعکس، حاشیه افشان و متن صفحه ها ساده است و گاهی متن و حاشیه هر دو افشان است.

افشان که ممکن است با زریا الوان دیگر باشد دو قسم است: گاهی مانند خرده طلای محلول یا الوان دیگر و گاهی بسیار ریز، که در صورت دوام آنرا افشان غبار می گویند. گاهی در متن و حاشیه کتابها و بیشتر مرقعها، افشان





صفحه بدرقه از مربع: شمسۀ مذہب با نقش گلہای اسلیمی. سلسلہ دہم ہجری قمری۔ موزہ ہنرہای تزئینی ایران.





فستی از حاشیه مرقع گلشن - تشمبر - نگاره جهانگیر شاه سده دهم هجری قمری - موزه هنرهای تزئینی ایران

درشتی دیده می شود که سیاه رنگ است، این افشان اصلاً از نقره است که در مجاورت هوا و به مرور زمان سیاه شده است.

مرکب الوان: بعضی از نسخه ها بجای مرکب سیاه متداول شده، تفتناً با مرکب الوان یا زر نوشته شده اند و گاهی کلمات آن محرر نیز هست.

عکاسی: پیش از اختراع عکاسی جدید، آنچه در قدیم بآن عکاسی اطلاق می شد و حواشی بعضی کتابها و مخصوصاً مرقعات را با آن تزئین می کردند عبارت بود از اینکه الگوهائی از مقوا با دقت از نقوش مختلف می بریدند و آنرا روی صفحه مورد نظر می انداختند و با الوان منتخب، روی الگورا رنگ می کردند.

در نتیجه در موضعی از مقوا که بریده شده بود، اثر رنگ می ماند و بقیه سفید، و نقوشی یک نواخت در صفحات مختلف حاصل می شد که بیشتر آن نقوش، بازر تحریر می گردید.

قطاعی: آنست که نقوش و یا کلمات و عباراتی را با قیچی و قلم تراش از کاغذ می چینند و قطعات بریده شده را اگر از کاغذ سفید باشد روی کاغذ رنگین و اگر رنگین باشد روی کاغذ سفید می چسبانند و یا صفحه ای را که از آن قطعاتی بریده شده است، روی کاغذ برنگ مخالف می اندازند.

جدول: عبارت از خط یا خطوطی است که نوشته صفحات کتاب را محصور می کند. جدول تزئینی کتاب معمولاً از یک خط تجاوز می کند و غالباً خطوط جدول به الوان مختلف است. جدول از یک یا دو یا سه خط نسبتاً عریض تر و چند خط باریکتر دیگر تشکیل می شود.

ساده ترین جدول، بیشتر، یک خط عریض از آب طلا است که دو طرف آن با دو خط نازک، برنگ مشککی با فاصله کم کشیده شده است. جدول ممکن است از یکی تجاوز کند و دو یا سه جدول در یک صفحه رسم شده باشد در اینصورت خط جدولهای دیگر غالباً بالا جور و شنگرف و سیلو، با خط باریک زریا مشککی خواهد بود.

کمند - بسیاری از کتابها که با جدول تزئینی ترسیم شده است، جدول دیگری نیز با فاصله از جدول اصلی دارد، که محیط بر آن است، چنانکه میان این جدول و جدول اصلی یک فاصله سفید حاصل می شود، و اگر جز در متن صفحه، در حاشیه هم نوشته ای باشد در همین سفیدی است.

این جدول دوم را که غالباً فقط یک خط باریک و گاهی دو خط باریک که در میان آن دو خط با آب زر پر شده است کمند گویند.

معمولاً در صفحاتی که جدول و کمند هر دو را دارد، کمند در سه طرف صفحه بوده و طرفی از صفحه که محدود به عطف کتاب می شود، عاری از خط است.

در بعضی نسخه ها که تفنن بیشتری در تزئین آنها بکار میرود ممکن است علاوه بر کمند و جدول معمول، کمند دیگری نیز رسم شده باشد. در این صورت کمند اول با اینکه ساده و باریک تر از جدول است ولی از یک خط بیشتر دارد و کمند دوم که محیط بر کمند اول است، یک خط رسم می شود.

سر لوح: بسیاری از نسخه های خطی، مزین به نقوش دقیق هندسی یا گل و برگهای هنری زیبا هستند که با طلا و رنگهای مختلف رسم

شده‌اند. این نقوش اگر یکی باشد سر لوح ساده و اگر دو تا باشد سر لوح مزدوج نامیده میشوند و گاهی علاوه بر سر لوح اصلی در ذیل آن، ولی متصل به آن، یک کتیبه مزین نیز افزوده میشود که در متن آن کتیبه بسم الله یا بسمله یا عنوان کتاب نوشته شده است.

سر فصل: که بآن سرسخن نیز گویند، تزئیناتی است که در اطراف عنوانها و در کتابهای نظم و نثر ارائه می شود و غالباً به تشعیر سازی و تذهیب و گاهی ترصیح نزدیک است.

شمسه: پس از صفحات بدرقه ابتدای کتاب معمولاً صفحه دست چپ کتاب که شروع می شود مزین به شمشه است و آن عبارت است از نقشی بشکل دایره و مذهب مرصع که شعاعهایی از اطراف آن خارج شده و آنرا بشکل خورشید نمایش می دهد. در میان این شمشه غالباً عنوان تملک کتاب نوشته شده است.

عباراتی که در میان شمشه ها نوشته شده غالباً با مرکب رنگین یا زریا سفید آب و بخطی جز خط متن کتاب و بیشتر محرز است.

ترنج: بعضی نسخه ها در پشت صفحه اول یک نقش ترنج مزین دارد که در میان و اطراف آن مطالبی نوشته شده است. این مطالب غالباً عنوان کتاب در میان و فهرست خلاصه مطالب کتاب در حواشی ترنج است. معمولاً نقش ترنجها مزین به ترصیح و گاهی تذهیب است و عبارتی که در آنها نوشته شده بقلم زریا سفید آب است. سر ترنج: دو ترنج کوچک است که در بالا و پائین ترنج و متصل به آن بطور افقی رسم شده است.

نیم ترنج: دو ترنج نیمه است که در بالا و

پائین صفحه ای که ترنج و سر ترنج در آن است، مجزا از آنها نقش شده است. نسخه هاممکن است فقط ترنج، یا ترنج و سر ترنج، یا ترنج و نیم ترنج و سر ترنج، یا هر سه را داشته باشد.

لچک: که بآن گوشه یا گنج هم می گویند، یک ربع یک ترنج کامل است، که گاهی در چهار گوشه صفحه ای که در میان آن ترنج و سر ترنج و نیم ترنج نقش شده است، نقش می گردد، و گاهی در حاشیه کتابهای منظوم و منثوری که در حاشیه نیز کتابت شده باشد هر صفحه یک یا سه لچک مزین دارد.

دندان موشی: بین سطوح خطوط خوش را تذهیب یا طلا انداخته و بعد از آن قلم مودندانه در جلو تذهیب، مزین و منقوش می گردد.

رکابه: در واقع تسلسل موضوع را به عهده دارد و هم شماره صفحات را مبین می سازد.

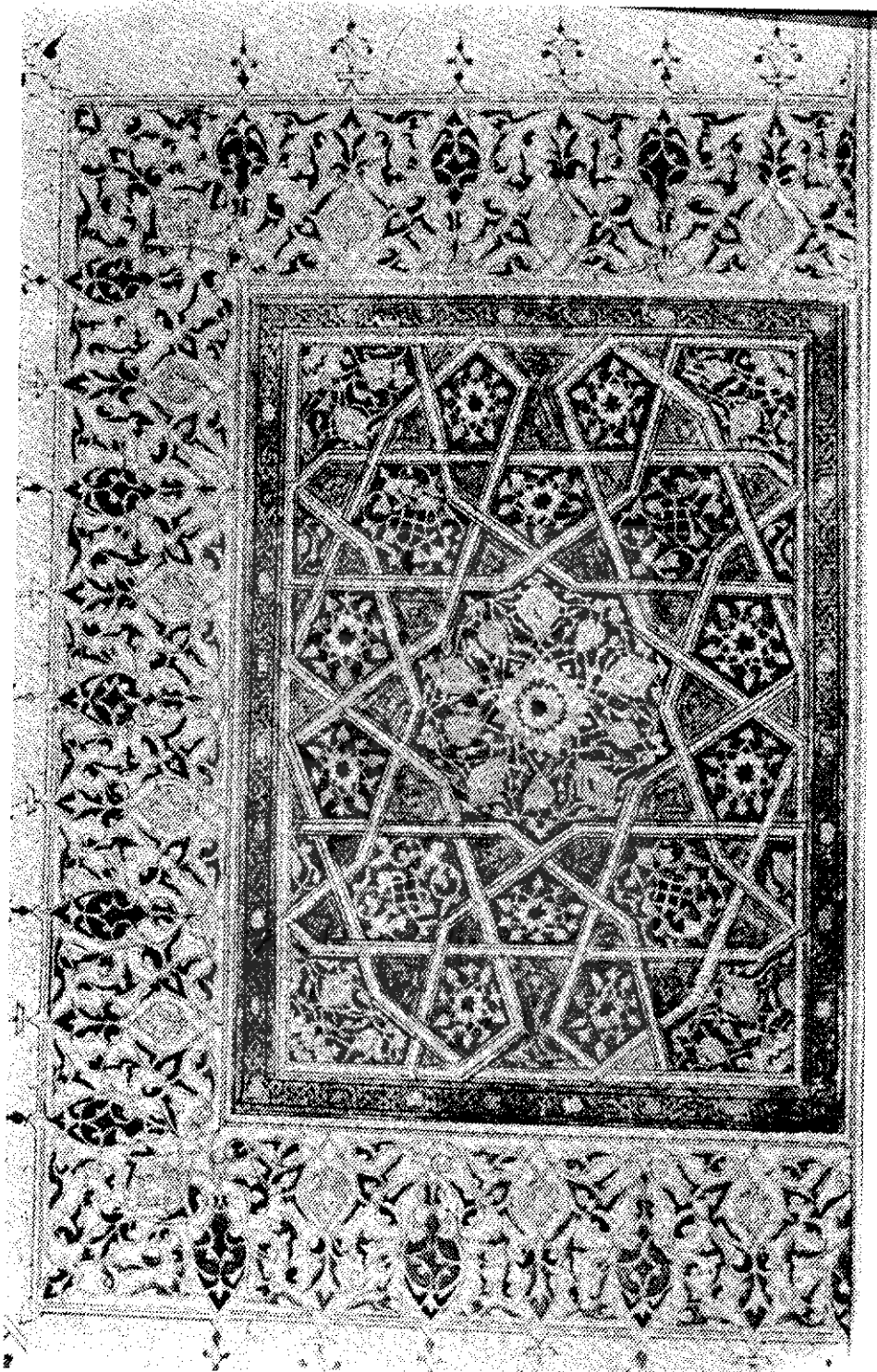
سنجاق نشان: بعضی زمینه های طلا را به سنجاق نشان می کنند که در موازی گره بندی خیلی مرغوب می نماید.

شرفه: خطوطی است که به دور شمشه به کار می رفته است و این خطوط غالباً به رنگ لاجورد و منقوش طرح می شده است.

نقش اسلیمی: لغت اسلیمی مقلوب کلمه اسلامی است و طرحی است انتزاعی از یک درخت باتمام پیچ و خمهای آن و طرحی است قوی و خشن از خطوط که با بندهای متناسب بیکدیگر می پیوندند و غالباً در سرتاسر اثر هنری گردش می کنند و گلها و غنچه ها را در بر می گیرند. و میان کلیه اجزا و ریزه کاریهای اثر هنری، یکنوع نظم و هم آهنگی ایجاد می کنند.

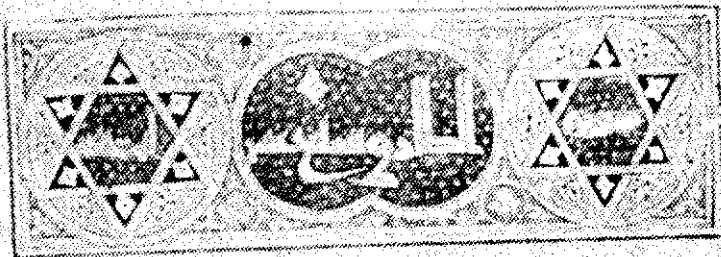
البته اسلیمی های مجزا هم مانند اسلیمی





صفحه مذهب سرفصل سورة «اعراف» از یک قرآن خطی به شیوه ریحان سده هشتم هجری است که در مصراستناخ شده است.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَاءَ  
فَالْحَيَاةُ كُلُّهَا

سر سوره ای از یک قرآن خطی به خط کوفی مذهب.

ماری وجود دارد اسلیمی ماری نمودار و کنایه‌ای است از حرکت پرپیچ و خم مار، اسلیمی‌های مجزا گردش نمی‌کنند و بیکدیگر نمی‌پیوندند اما در اثر هنری، جابجا تکرار می‌شوند و تکرار آنها برای هدایت چشم است. برای آنست که یکنوع تجانس و هم‌آهنگی میان اثر هنری بیابیم. این طرح‌ها بیشتر در تذهیب، تشعیر، مینیاتور، کاشی، گچ‌بری و قالی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از انواع اسلیمی‌ها می‌توان به اسلیمی‌های دهن آذری، اسلیمی ماری، اسلیمی توپر، اسلیمی توخالی، اسلیمی برگگی، اسلیمی گل‌دار- اسلیمی توریقی- اسلیمی طوماری و اسلیمی خرطومی و غیره اشارت نمود.

خطایی: از دیگر طرحهای مورد استفاده در تذهیب و تشعیر می‌باشد که یکی از طرحهای اساسی و قراردادی هنرهای تزئینی ایرانی است که در قالی، کاشی و تذهیب و تشعیر به کار می‌رود و آن طرح نموداری است از شاخه و برگ یا بوته یا گل و برگ و غنچه.

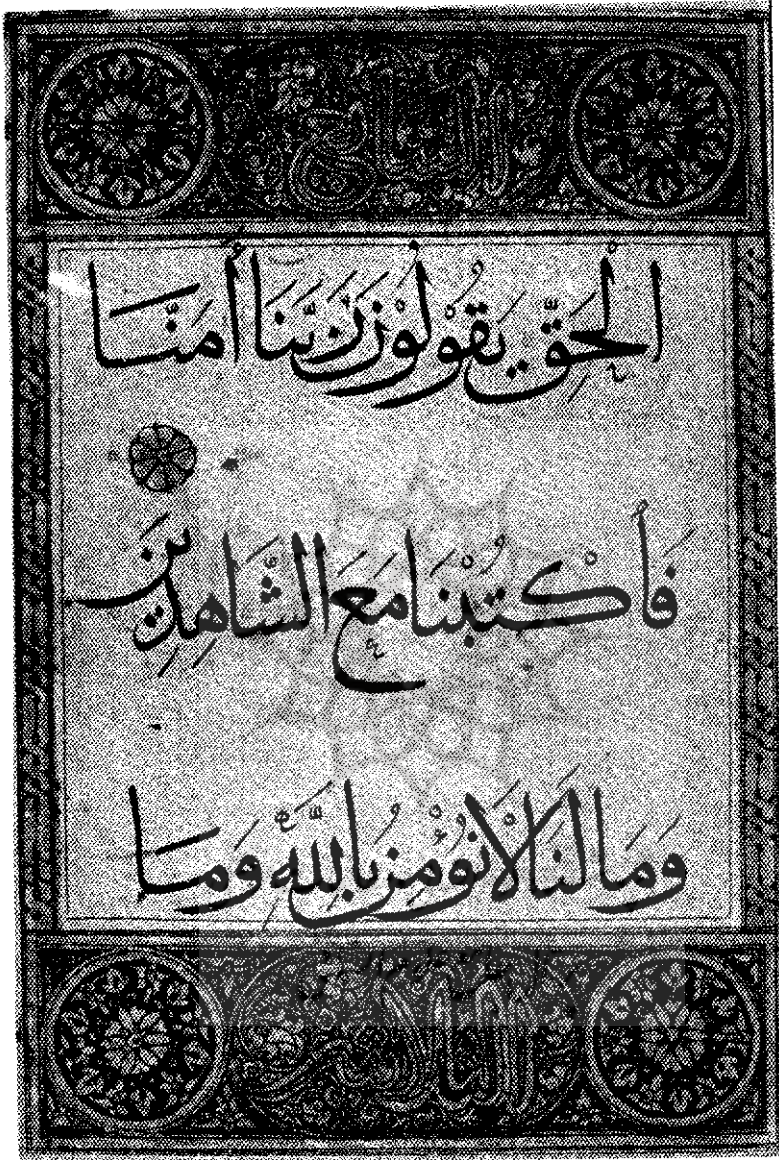
طراحان برای ایجاد هماهنگی در یک نقشه خطایی، از میان هزاران نوع گل و برگ و غنچه خطایی، معمولاً دو تا شش نوع گل، دو یا سه نوع غنچه و سه یا چهار نوع برگ انتخاب می‌کنند و به سلیقه خود آنها را با هم می‌آمیزند.

اساس نقشه‌ی خطایی عبارت است از خطوط منحنی موزونی که هر یک از آنان (بند) نامیده می‌شود. مجموعه این بندها، مانند استخوان بندی سراسر نقشه را فرا می‌گیرد.

از ترکیب خطایی و اسلیمی طرحی موسوم به خطایی اسلیمی حاصل می‌شود.

قلم موهاثیکه در تذهیب و تشعیر مورد استفاده قرار می‌گرفت معمولاً از موی خز و پر غاز تهیه می‌کردند ولی بواسطه کمیابی و گرانبهائی این دو حیوان مدتهاست که برای تهیه قلم مواز موی گربه دو ماهه براق و یکرنگ و شاه پر کبوتر استفاده می‌کنند. نحوه درست کردن آن بدین ترتیب است که نخست موهای پشت گربه یعنی روی ستون فقرات و کمی اطراف آن را دسته‌دسته با قیچی می‌چینند سپس دسته موهای چیده شده را مطابق خواب طبیعی موی لای کاغذ قرار می‌دهند و معمولاً هر دسته موی برای یک قلم مو کافی است. موقع قلم بستن وسط یک دسته موی را با دو انگشت محکم می‌گیرند و با سوزن ریز کرک‌های بی‌مصرف و زاید را از موهای بلند و سالم جدا می‌کنند. با این ترتیب نصف دسته موی زاید پاک می‌شوند. نصف دیگر را هم بوسیله سوزن کردن دسته موی همین ترتیب یعنی بوسیله همان سوزن ریز از موی کرک زاید پاک می‌کنند. سرانجام بوسیله فوت کردن آخرین آثار ذره‌های کرک را از دسته موی زدایتند و موهای شکسته را هم اگر هنوز جدا نشده‌اند بوسیله سوزن از موهای درست جدا می‌نمایند. پس از عمل «دم هم کردن» یعنی موها را مطابق هم قرار دادن و آزمایش با آب جهت نماندن موی زاید، وسط موها را با نخ ابریشم بسته و سپس پر پرنده‌ای را بطور اریب قطع و با دقت دسته موی را داخل آن پر قرار می‌دهند و نوک موی قلم موی معمولاً یا بوسیله تیغ تیز یا بوسیله آتش، آماده برای کار می‌کنند. قلم موها معمولاً یا پر پشت و با اصطلاح قدیم پر مایه‌اند و یا کم‌پشت و بلندند. نوع اول را قلم





صفحه ای از قرآن به خط ثلث ریحانی به قلم یاقوت مستعصمی سنه ۶۷۴ هجری قمری-موزه هنرهای تزئینی ایران

گندمی و نوع دوم را قلم نیزه‌ای می‌گویند و قلم گندمی را برای صورت‌سازی و قلم‌گیری‌های نازک و کلفت (تند و کند) و قلم نیزه‌ای را برای قلم‌گیری یکنواخت و خطوط بلند بکار می‌برند.

برای تذهیب و تشعیر در دوران مختلف تاریخ ایران، مکاتب مختلفی را قایل گردیده‌اند ولی مهم‌ترین دوره‌های متمایز تذهیب و تشعیر ایرانی عبارتند از: دوره صدر اسلام - سلجوقی - مغول - تیموری - صفوی - افشار و زند و قاجار.

تذهیب و تشعیر در طی نخستین سده هجری با تزئین سرآغاز فصل‌ها به ویژه در قرآن‌ها آغاز شد و متعاقباً به تزئین مفصل‌تر سرآغاز کتابها منجر گردید. به طوری که این شیوه یعنی پرداختن یک سر لوحه سراسر تزئین و تقریباً فاقد نوشته، الگوی شاخص کتاب‌های دست‌نویس سراسر خاور نزدیک قرار گرفت.

این صفحات، غالباً به صورت دو برگ دقیقاً یکسان و مکمل یکدیگر پرداخته می‌شدند. و بعضی کتاب‌های بسیار نفیس، گاهی چندین صفحه این چنین را، در بر می‌گرفتند. در حالی که نخستین صفحه متن غالباً به عنوان بسیار آراسته‌ای مزین می‌شد.

در نسخه‌های قرآن گاهی تزئیناتی در فواصل هر پنج سوره یا هر ده سوره در نقاط مربوط به سجود در خاتمه قرائت روزانه و در تقسیمات بین دیگر بخش‌ها انجام می‌شد. عناصر رنگین نگارشی نیز ابتدا در استنساخ قرآن به کار رفتند و گاهی ترجمه یا تفسیر به رنگ سرخ تحریر می‌شد.

در قرآن‌های سده‌های نخست تزئین چشمگیری که صورت گرفته شامل نوارهایی

است که معمولاً در برگیرنده نقشی درهم پیچیده، به هم بیافته، یا هندسی و مرکب از مربع‌های ریزی است، که گاهی از طرح‌های کاشیکاری یا منسوجات تقلید می‌کنند و بعضی از شکل‌های برگرفته از معماری، به ویژه ردیف‌های طاق‌نما، نیز به چشم می‌خورند. اما از نقوش گیاهی خبری نیست. این نوارها رفته رفته پیچیده‌تر می‌شوند و بصورت طرح‌های بهم بافته مفصلی که به صورت انواع چند ضلعی یا پیچک خودنمایی می‌کنند در می‌آیند.

در جایی که سوره‌ای در وسط یک خط به پایان می‌رسد، نوار تزئینی می‌باید معرض باقی مانده را بپوشاند. این مسأله معمولاً با عریض‌تر ساختن طرح در آن نقطه، خواه با تکرار آن در دو ردیف و خواه با افزودن طاقنمایی در بخش فوقانی، حل می‌شود. این نوارها، برعکس آنچه که در قرآن‌های بعدی مشاهده می‌شود، هنوز عنوان‌ها را در بر نمی‌گیرند. در جایی که آخرین کلمات سوره پیشین و نشانه‌های مشخص‌کننده آیات با فضاها تزئین شده تداخل می‌کنند، تزئین ممکن است بعداً صورت گرفته باشد. لیکن در اکثر موارد چنین نیست، چون چنین وضعی را حتی در بعضی کتب عصر صفوی که در همزمانی متن و تزئینشان تردید نمی‌تواند باشد ملاحظه می‌کنیم.

عنوان فصل‌ها معمولاً در یک یا هر دو انتها یا درون حاشیه ادامه پیدا می‌کند. در قرآن‌هایی که معمولاً بسیار کهن می‌باشند این طرح‌های زینت بخش حاشیه‌ها چندان گسترده نیستند و فقط فضای دو یا سه حرف را می‌پوشانند. گاهی نیز بطور کلی از آنها صرف‌نظر شده است.



در طی قرن دوم هجری، نوار تزئینی به صورتی پیچیده تر در می آید. عنوان سوره به حروف زرین در میان نوار نوشته می شود. یا جای حروف آن بر زمینه نقوش گیاهی، خالی گذاشته می شود. طرح حاشیه، که اکنون درشت تر شده، شکلی تقریباً مدور یافته و به بخش میانی نوار محدود گردیده است و چنان اهمیتی به خود گرفته که میتواند تنها تزئین عنوان سوره باشد.

رنگ آمیزی به دوشیوه عمده خودنمایی می کند نخست استفاده از رنگهای اخرائی، زرد، سبز تیره و سرخ و دیگری از رنگهای طلائی، آبی همراه با سرخ، سرمه ای، سبز و قهوه ای بهره می گیرد و تزئینات آن بخشی با مرکب قهوه ای رنگ اجرا شده اند که در بسیاری موارد به قدری رنگ باخته است که فقط اثر مهمی از طرح اصلی آن بر جا مانده است.

از مذهبیین مشهوریکه در سده دوم هجری می زیسته اند می توان از یقطینی، ابراهیم صغیر، ابوموسی بن عمار، ابن سقطی و استاد محمد نامبرد.

ترجمه کتب پهلوی و سانسکریت و یونانی بعربی از همین زمان مورد علاقه خلفا و بزرگان قرار گرفت و باستنساخ این ترجمه ها زیبا ساختن کتابها رغبت اهل علم و دانش را بر می انگیخته است.

صنعت کاغذسازی را مقارن این زمان یعنی اواخر قرن دوم، مردم سمرقند از چینیان آموخته و به اکثر بلاد برده و از جمله به بغداد آوردند و دیر زمانی نگذشت که فن کاغذسازی در سراسر بلاد اسلام رایج گشت و از این پس یعنی اواخر قرن سوم با ازدیاد کتاب در فنون مختلف نقش

تصاویر در کتابها معمول شد و هنر نقاشی برای تزئین کتابها بطور روشن جلوه گر گردید.

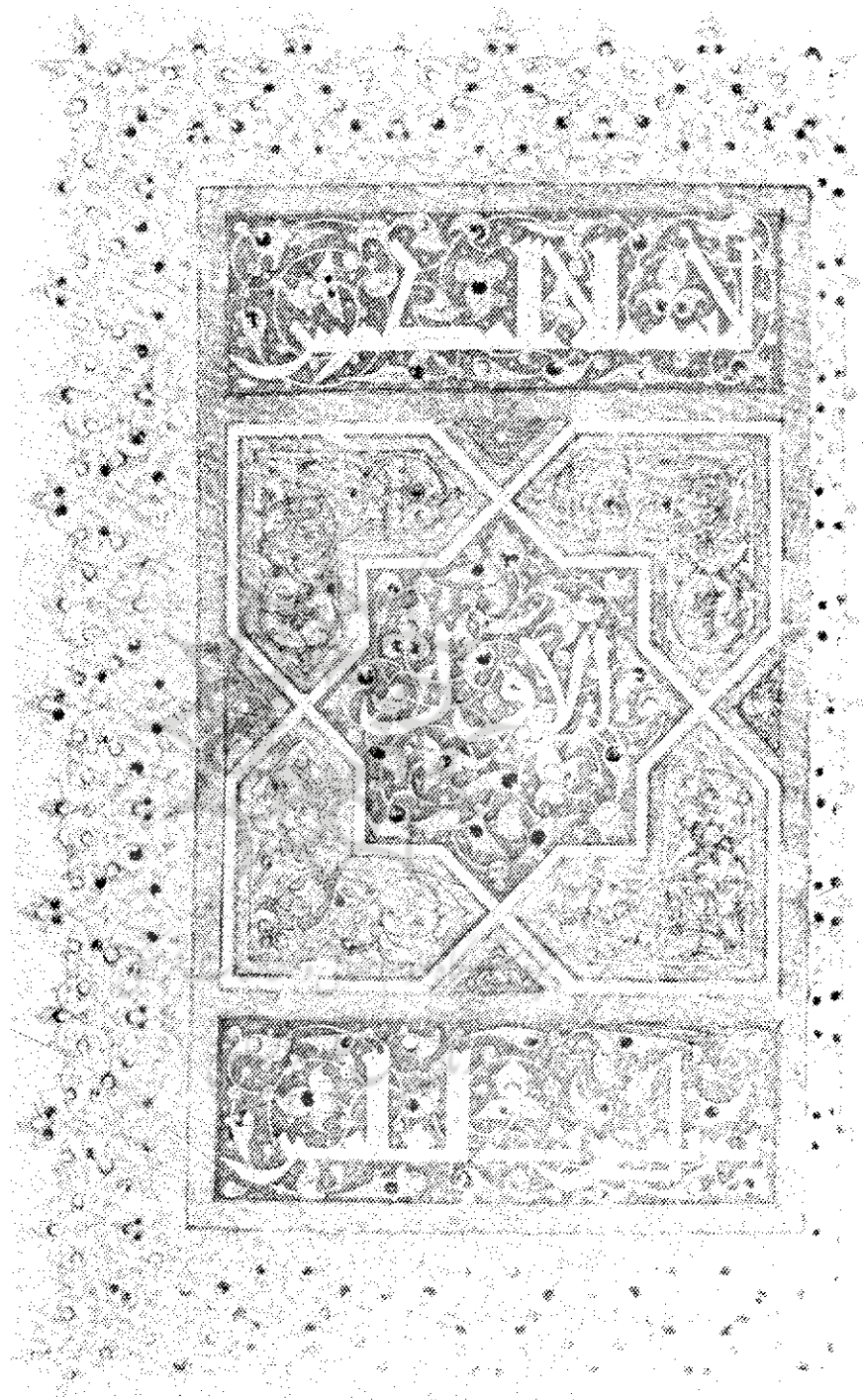
باظهور صفاریان (۲۵۴ هـ) و دیالمه (۳۲۰ هـ) و سامانیان (۲۶۱ هـ) و تسلط فرمانروائی سرداران و امیران ایرانی، در اکثر شهرهای ایران، هنرهای مستظرفه رنگ دیگری گرفت و توجهات بسیار به نقاشی و تذهیب و تشعیر، این هنرها را رواج داد. ایرانیان برای تزئین ظروف لعابی و پارچه ها و کتابها و دیوارهای ابنیه خود سخت علاقه نشان داده و آثار موجود در موزه ها بهترین معارف ذوق و سلیقه ایرانیان در این عهد و زمانست.

متأسفانه در تواریخ و آثار این زمان نام نقاشان، کمتر بنظر می رسد و آثاریکه تا کنون بدست آمده اکثر بدون رقم مذهب می باشد. در قرن چهارم ابوبکر محمد بن حسن نقاش و مذهب را می شناسیم لکن اثری از او تا کنون دیده نشده است.

عبدالرحمان بن محمد دامغانی از مذهبیان مشهور قرن پنجم می باشد و عثمان بن وراق خوشنویس، در تذهیب استاد بود.

دسترسی به تعدادی از کتب دست نویس دوره سلجوقی، درک روشن تری از تذهیب این دوره مهم را میسر می سازند. گرایش هائی که در طی عصر سلجوقی شکوفا شدند، همانند آنچه در دیگر هنرها رخ داد، در دوره پیشین پایه گذاری شده بودند، و این سبک تا مدت مدیدی از عصر مغولی ادامه یافت.

سه ویژگی فنی قرآن ها و کتابهای سلجوقی را از قرآنها و کتابهای دوره پیش از آن متمایز می سازند:



سر صفحه مذهب جزء اول قرآن خطی در هفت جلد که توسط محمد بن وحید در سال ۷۰۴ هـ قمری در مصر استنساخ شده است.



دایره‌های متقاطع در ظروف دوره سامانی و لوح‌های دیواری ری دیده می‌شوند.

استفاده از تذهیب در مینیاتورها، روشی بود که در دوره مغول مورد استفاده قرار گرفت. حاشیه‌های اسلیمی بزرگ دیباچه‌ها، به عنوان کادر یا حتی نقوش تزئینی معماری در طرح اصلی خودنمایی می‌کردند.

روش قاب کردن مینیاتورها با حاشیه‌های تذهیب کاری شده از مدت‌ها پیش در دوره سلجوقی آغاز شده بود. ولی هنگامیکه استفاده از مینیاتور در کتابها افزایش یافت، نقوش تذهیب در نقاشی‌های مینیاتوری بیشتر مورد استفاده قرار گرفت.

عمده‌ترین نقش تزئینی، اسلیمی است. اسلیمی‌ها همیشه دارای طرحی بدیع و نفیس هستند و همیشه بداعتی خاص و در عین حال تکامل یافته دارند که در دوره‌های دیگر به ندرت بدانها دست یافته شده است. شکل تکامل یافته اسلیمی‌ها پیچیده است، نوک منحنی شکل یک گل نخل، بادبزنی پنج پر که به دو یا سه نوک منتهی می‌شود یا نوک یک گل بادبزنی سه پر که به دو اسلیمی متقاطع منتهی می‌شود ملاحظه می‌گردد.

یک خصوصیت جدید و مهم، وجود گره‌های پنج در پیچ و درهم است حاشیه‌های مشبک، هنوز به صورتی نسبتاً پیچیده مورد استفاده قرار می‌گرفتند ولی دیگر مانند دوره سلجوقی شامل مربع‌های کوچک آبی رنگ، هشت ضلعی یا خطوط باریک میله‌ای شکل نبودند و حاشیه اسلیمی که برای اولین بار در سال ۶۱۴ هجری مورد استفاده قرار گرفت همیشه ملاحظه می‌شد.

نوک برگها یا اسلیمی‌ها از این نوارهای حاشیه‌ای خارج می‌شدند تا تشکیل نقش‌های ریزی بدهند که کناره صفحه تزئین شده را روح تازه‌ای به بخشند. نقوش گوشه‌ها معمولاً بزرگتر و به اصطلاح پر کارتر هستند و حتی ممکن است تنها نقوش یک صفحه باشند.

استفاده از رنگ، در تذهیب‌های دوره مغول بُعد تازه‌ای یافت و استفاده بیشتری از رنگ آبی همراه با قرمز تیره و قرمز روشن، و به نسبت کمتری سبز را مشاهده می‌کنیم. ممکن است ترکیب رنگهای طلایی، آبی، قرمز و سبز به خودی خود حتی تا حدی زنده به نظر آید ولی همیشه مؤثر و زیبا و یکی از اصلی‌ترین عوامل در بوجود آوردن درخشندگی و جلاست.

این رنگها معمولاً بدین گونه به کار می‌روند که تیره‌ترین رنگ یعنی آبی تیره در مرکز نقش یا به عنوان رنگ زمینه با رنگهای روشن‌تر احاطه می‌شود و به این ترتیب قسمت تیره مانند هسته مرکزی به نظر می‌آید. و با ممکن است کلماتی که با جوهر سیاه نوشته شده‌اند نقطه‌های تفکیک کننده طلایی و علائم دیگری به رنگ قرمز داشته باشند. گاهی خط‌های سیاه و طلایی بطوریک در میان قرار می‌گیرند. تأثیر این نوشته‌های رنگارنگ بیشتر و پویاتر است. زیرا نوشته، به خط بسیار درشت است.

نوشته‌ها همه به نسخ یا خطوط بسته است و حروف، معمولاً هاله سفید رنگ ابرمانندی در اطراف خود بصورت، ضمیمه دارند و انواع مختلف اسلیمی، در هر صفحه‌ای متفاوت از صفحه دیگر، یا گل‌های نخل بادبزنی روی یک زمینه هاشورزده، یا طرح‌های سه خال، معمولاً



خط نستعلیق وسط سطور مذهب به قلم میرعماد الحسنی سیفی  
قزوینی مقتول به سال ۱۰۲۴ هجری قمری.

قطعه خط چلیپای مذهب با سرنوح و کتیبه‌های مذهب — با  
حواشی مجدول و تشعیر مطالای سنجاقی — با شرفه لاجوردی — به

دایره‌های متقاطع در ظروف دوره سامانی و لوح‌های دیواری ری دیده می‌شوند.

استفاده از تذهیب در مینیاتورها، روشی بود که در دوره مغول مورد استفاده قرار گرفت. حاشیه‌های اسلیمی بزرگ دیباچه‌ها، به عنوان کادر یا حتی نقوش تزئینی معماری در طرح اصلی خودنمایی می‌کردند.

روش قاب کردن مینیاتورها با حاشیه‌های تذهیب کاری شده از مدتها پیش در دوره سلجوقی آغاز شده بود. ولی هنگامیکه استفاده از مینیاتور در کتابها افزایش یافت، نقوش تذهیب در نقاشی‌های مینیاتوری بیشتر مورد استفاده قرار گرفت.

عمده‌ترین نقش تزئینی، اسلیمی است. اسلیمی‌ها همیشه دارای طرحی بدیع و نفیس هستند و همیشه بداعتی خاص و درعین حال تکامل یافته دارند که در دوره‌های دیگر به ندرت بدانها دست یافته شده است. شکل تکامل یافته اسلیمی‌ها پیچیده است، نوک منحنی شکل یک گل نخل، بادبزنی پنج پر که به دو یا سه نوک منتهی می‌شود یا نوک یک گل بادبزنی سه پر که به دو اسلیمی متقاطع منتهی می‌شود ملاحظه می‌گردد.

یک خصوصیت جدید و مهم، وجود گره‌های پیچ در پیچ و درهم است حاشیه‌های مشبک، هنوز به صورتی نسبتاً پیچیده مورد استفاده قرار می‌گرفتند ولی دیگر مانند دوره سلجوقی شامل مربع‌های کوچک آبی رنگ، هشت ضلعی یا خطوط باریک میله‌ای شکل نبودند و حاشیه اسلیمی که برای اولین بار در سال ۶۱۴ هجری مورد استفاده قرار گرفت همیشه ملاحظه می‌شد.

نوک برگها یا اسلیمی‌ها از این نوارهای حاشیه‌ای خارج می‌شدند تا تشکیل نقش‌های ریزی بدهند که کناره صفحه تزئین شده را روح تازه‌ای به بخشند. نقوش گوشه‌ها معمولاً بزرگتر و به اصطلاح پرکارتر هستند و حتی ممکن است تنها نقوش یک صفحه باشند.

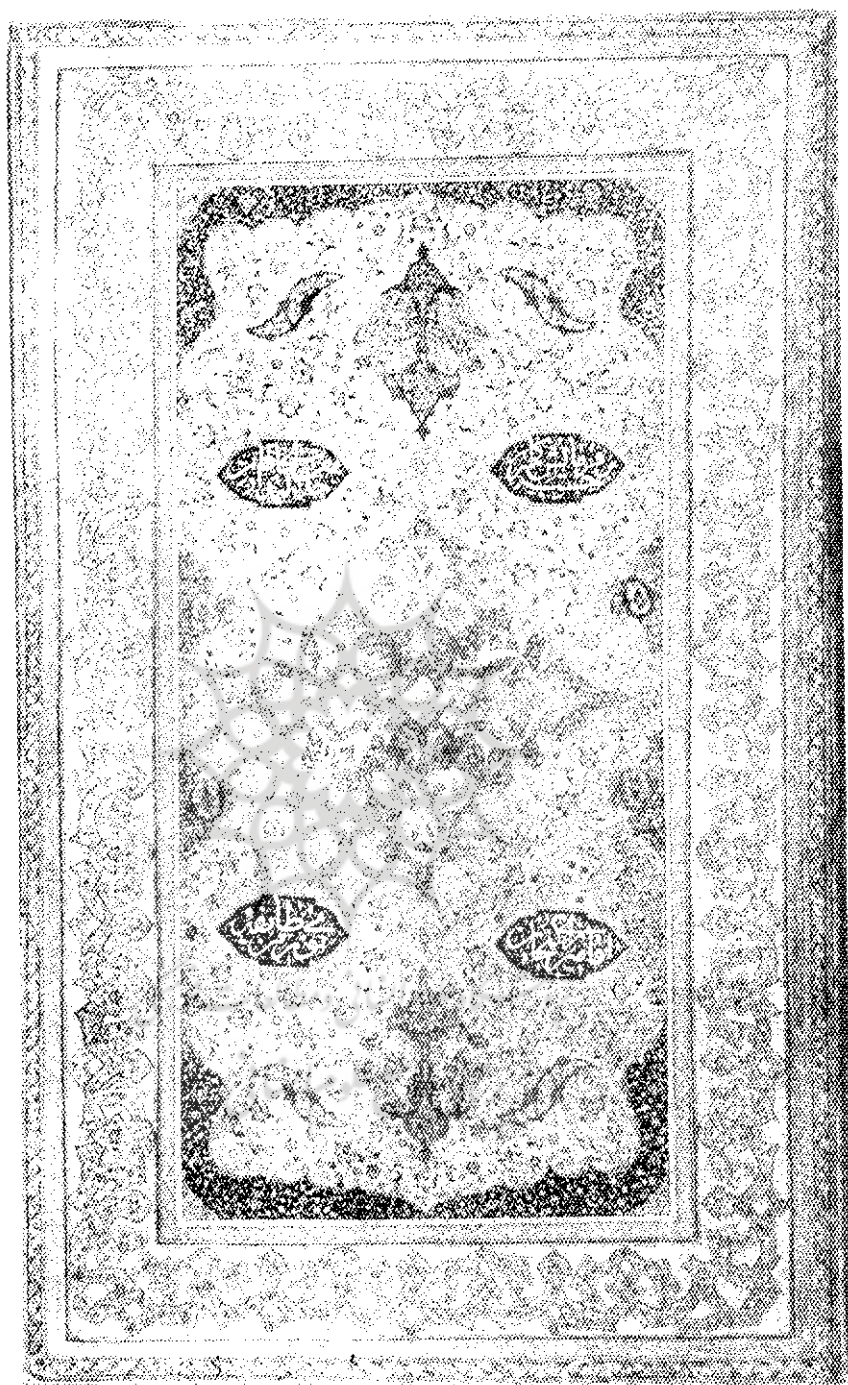
استفاده از رنگ، در تذهیب‌های دوره مغول بعد تازه‌ای یافت و استفاده بیشتری از رنگ آبی همراه با قرمز تیره و قرمز روشن، و به نسبت کمتری سبزر مشاهده می‌کنیم. ممکن است ترکیب رنگهای طلایی، آبی، قرمز و سبز به خودی خود حتی تا حدی زنده به نظر آید ولی همیشه مؤثر و زیبا و یکی از اصلی‌ترین عوامل در بوجود آوردن درخشندگی و جلاست.

این رنگها معمولاً بدین گونه به کار می‌روند که تیره‌ترین رنگ یعنی آبی تیره در مرکز نقش یا به عنوان رنگ زمینه با رنگهای روشن‌تر احاطه می‌شود و به این ترتیب قسمت تیره مانند هسته مرکزی به نظر می‌آید. و یا ممکن است کلماتی که با جوهر سیاه نوشته شده‌اند نقطه‌های تفکیک کننده طلایی و علائم دیگری به رنگ قرمز داشته باشند. گاهی خط‌های سیاه و طلایی بطوریک در میان قرار می‌گیرند. تأثیر این نوشته‌های رنگارنگ بیشتر و پویاتر است. زیرا نوشته، به خط بسیار درشت است.

نوشته‌ها همه به نسخ یا خطوط بسته است و حروف، معمولاً هاله سفید رنگ ابرمانندی در اطراف خود بصورت، ضمیمه دارند و انواع مختلف اسلیمی، در هر صفحه‌ای متفاوت از صفحه دیگر، یا گل‌های نخل بادبزنی روی یک زمینه‌ها شورزده، یا طرح‌های سه خال، معمولاً







جلد کتاب رنگ و روغنی (لاکی) مذهب، با نقش لچک  
 علی خوانساری اواخر سده ۱۳ هجری قمری - موزه هنرهای  
 تزئینی ایران.

ترنج و سرترنج و کتیبه، مجدول، کهنه کشی - عمل استاد میرزا

فضای بین خط‌ها را پر می‌کنند.

تذهیب دوره تیموری سبک مشخص و مخصوصی پیدا کرد که تزئینات و اشکال گیاه بشکل طبیعی و گاهی اشکال طیور و حیوانات با سلوب چینی در آن نقش عمده داشت از تذهیب کاری دوره تیموری چند نوع مختلف موجود است: در یکی تزئینات بزرگ طلائی و دور آن به رنگ سیاه کشیده شده و در دیگری طرح تزئینی بزرگ طلائی بر روی زمینه سورمه‌ای یا آبی پررنگ است. احتمالاً این دو نوع تذهیب کاری بوسیله هنرمندان مکتب شیراز بوجود آمده است.

در پایان دوره مغول تمایل شدیدی به طرحهای ناتورالیستی (طبیعت‌گرایانه) ملاحظه می‌شود و طرحهای گل و بته‌ای بیش از پیش، زمینه سر عنوان‌ها را تزئین می‌نمایند. این تمایل به طرح‌های گل و بته‌ای ناتورالیستی، اگرچه حالا کمال بیشتری یافته است، در گروهی از کتابهای خطی دوره تیموری کاملاً آشکار است. رنگهای استاندارد این دوره طلائی و آبی سیر هستند. و اگرچه رنگهای دیگر مانند یک نوع رنگ سبز طاووس خاص، قرمز، سفید، سبز روشن و آبی هم در آنها دیده می‌شود ولی با ترکیب کلی رنگ تداخلی ندارند.

این سبک تذهیب تیموری کاملاً با هنرهای دیگر این دوره مطابقت دارد. ظرافت نقوش دیباچه با خط نستعلیق جدید و تکامل یافته‌ای که جانشین نسخ و تعلیق شده لاف برابری می‌زند. نوع دیگری از تذهیب، تذهیبی اصالتاً و انحصاراً تیموری، وجود خود را به سبکی که در کتاب‌های کلیات مورد استفاده قرار می‌گرفت

مدیون است که در اوایل قرن نهم هجری رواج زیادی داشت و باعث نوآوریهای زیادی در زمینه تذهیب شد. عنوان‌های چندین کتابی که در کلیات ضمیمه است و فهرست‌های مطالب معمولاً روی دو صفحه مقابل به یکدیگر نوشته می‌شوند.

در نسخه‌های خطی خمسه نظامی، صفحه فهرست مطالب ساده‌تر است و هر پنج عنوان در یک گل کوچک قراردردو ترنج مرکزی در بالا و پائین دارای سرترنج‌هایی است که آن را احاطه می‌کنند، و تمام اینها روی یک زمینه با نقوش تزئینی غنی قرار گرفته‌اند. در بسیاری از نسخه‌های خطی از این نوع، بین گل مرکزی و حاشیه‌های صفحه، پری‌های بالرداری را می‌بینیم که سرها و بالهایشان در حالت‌های گوناگون قرار دارند.

در دوره تیموریان نوعی تذهیب به همت مولانا غیاث‌الدین محمد مذهب مشهدی متوفی به سال ۹۴۲ وضع گردید که زرافشان خوانده می‌شد. زرافشان یعنی آنچه بر کاغذ از طلا و نقره حل کرده بیفشانند. افشان نقره کمتر و طلا بیشتر در قدیم مورد توجه بود. از انواع افشان‌ها می‌توان از:

۱- افشان میانه

۲- افشان غبار

۳- افشان لینه

۴- افشان چشم موری

۵- افشان سرموری

۶- افشان بیخته

۷- افشان پر پشه‌ای

نام برد.



در قدیم گاه تمام ورق و گاهی فقط حواشی کتاب یا روی قلمدان را برای زیبا ساختن زرافشان می کردند و این هنر اکنون کما بیش متداول است ولی نه به زیبایی قدیم.

سبک عصر صفویه با شروع قرن نهم و در قرن ۱۰ به مرحله کمال خود رسید و این سیر تکاملی تا زمان حال نیز ادامه دارد. در این عصر از مذهبین بنامی همچون ملا یگانه بلخی - میریحیی تبریزی - کر بلا علی نادری تبریزی - موسی رضا نقاش - شهاب الدین احمد نقاش - غیاث الدین مذهب - ملاولی - یاری مذهب - دوست محمد مصور هروی - استاد میرک - حکیم لایق - زین العابدین مذهب اصفهانی - خواجه قوام الدین حسین مذهب - مولانا عبداله شیرازی - مولانا حسن بغدادی و محمود مذهب می بایستی نام برد.

بسیاری از نسخ خطی دوره صفویه حاشیه بزرگی دارد که مناظر طبیعی و اشکال انسانی و حیوان بر آن نقاشی شده و رنگ طلائی و زرد و سبز در آنها بکار رفته است در بعضی موارد برای ایجاد تباين و تعارض، رنگ قره ای نیز بکار رفته است. اسلوب تذهیب و تشعیر کاری که در زمان شاه طهماسب بکار می رفت در قرن دهم و یازدهم ادامه یافت در قرن یازدهم رنگها، شفاف تر شد و تزئینات برگ نخلی و اشکال نباتات در تزئین بکار می رفت.

چند نوع کار و طرز عمل مختلف توسط هنرمندان دوره صفویه بکار گرفته میشد که در زمان تیموری نیز وجود داشت و آنها را می توان تحت عنوان تذهیب کاری، طبقه بندی کرد. یک نوع از آن، کاری است که طرح مانند سایه روشن

یا تاریک جلوه می کند و نوع دیگر را تذهیب معرق می گویند.

تذهیب معرق آنست که مذهبیان نقوش اسلیمی و ختائی و برگ فرنگی یا هر نقش دیگر را منظم بر حاشیه کتاب طرح کرده صحاف آنرا با ابزار مخصوص بریده و بیرون آورده و همان طرح را به همان اندازه بی کم و کاست بر روی کاغذ دیگر از رنگ تیره تر مثل لاجوردی افکنده سپس آنرا بریده در جای نقش حاشیه کتاب می چسبانند و بعد از خشک شدن مذهب دوران را با طلا تحریر کرده و مهره زده و میان آن را برای زیبا ساختن با نقوش خاص، طلا اندازی می کردند و باید دانست که تذهیب معرق را در حواشی کتابها که کاغذ آن ختائی ضخیم و قابل درست کردن بود انجام میدادند. این نوع تذهیب در زمان شاه طهماسب متداول و معمول گردید و بعد از صفویه از میان رفت و امروز متروک است. سبک تذهیب صفویه بعد از انقراض سلسله صفویه هنوز مورد استفاده قرار می گرفت بدون اینکه طرح تازه ای به آن اضافه گردد.

در آغاز قرن ۱۲ هجری، شیوه تذهیب عوض شد و ظرافت و زیبایی چندانی در آثار این عهد مشهود نمی گردد.

در هر حال بیشتر نقاشان و مذهبیان اواخر عهد صفویه و دوران افشاریه تا اواسط دوران زندیه نیز در قید حیات بودند و شاگردانی تربیت کردند که مکتب زندیه و شیراز حاصل زحمات آنان است. مکتب زندیه که طلیعه مکتب قاجاریه است بسیار فریبنده و زیباست. از مذهبیان این دوره می توان به میرزا رضا مذهب، محمد مهدی حسین امامی، علی نقی مذهب، علی اشرف، محمد

هادی و آقا باقر اشارت نمود.

در دوره قاجار به هنر تذهیب اهمیت زیادی داده شد. هنرمندان با الهام از سبک های متداول در زمانهای پیشین خود سبکهای نوینی را ابداع نمودند و هنر تذهیب و تشعیر به منتها درجه اوج و شکوفائی رسید.

سرفصل هائی با ظرافت جواهروار و سر لوحه هائی عالی در واقع معرف و مبشر متن کتابست و خواننده را بسوی خود فرا خواننده و شوق و تجسس را در او برمی انگیزد و حالت جذبه در او پدید می آورد تا احترام و تجلیلی خاص نسبت به کتاب و کتابت حس کنند.

از مذهببان بنام دوره قاجار و اخیر می توان از لطفعلی شیرازی مذهب - سید ابوالقاسم مذهب

باشی - میرزا احمد مذهب باشی - حاجی میرزا عبدالوهاب مذهب باشی - میرزا بابا - نصراله. امامی اصفهانی - محمد حسن خان محقق الملک - محمود مذهب باشی - ابوالقاسم موسوی حسینی - شیخ محمد جعفر حائری طهرانی - فتح اله شیرازی - آقامیرزا یوسف مذهب - عبدالعلی خراسانی - محمد حسین مذهب - ابوالقاسم حسینی امامی اصفهانی - میرزا اسماعیل نقاش باشی - میرزا طالب ملقب به مطلوب العالم - محمد حسن شیرازی - میرزا علی درودی - استاد یوسفی - استاد عبدالله باقری و استاد حسین اسلامیان نام برد.

روانشان شاد و یادشان گرامی باد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## منابع و مآخذ

- ۱- تاریخ صنایع ایران دکتر جی کریستین ویلسن ترجمه عبدالله فریزار
- ۲- تاریخ هنر اسلامی کریستین پرایس ترجمه مسعود رجب نیا
- ۳- صنایع ایران بعد از اسلام دکتر زکی محمد حسن ترجمه محمد علی خلیلی
- ۴- هنر اسلامی ارنست کوئل ترجمه هوشنگ طاهری
- ۵- هنر ایران رمان کریشنم ترجمه بهرام فره وشی
- ۶- گلستان هنر قاضی میراحمدنقی فی
- ۷- لغات و اصطلاحات فن کتاب سازی به کوشش مایل هروی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- ۸- کتاب کتابشناسی کتابهای خطی تألیف شادروان مهدی

بیانی